

## گولاک-آرتیوموفسکی

نام‌دار و ناشناس

(به مناسبت ۲۱۰ مین سال‌زاد و ۱۵۰ سال‌مرگ او)

سیمیون استپانویچ گولاک. آرتیوموفسکی. کنش‌گری مردمی و توانا، همچنین نخستین اجراکننده بخش روسلان در نمایش آوازی «روسلان و لیودمیلا» گلینکا و پایه‌گذار نمایش آوازی اوکرایینی به‌شمار می‌آید. «زاپاروژتس [شهروندی از بخش زاپاروژیه] در آنسوی دانوب» او. ساخته‌ای است که مردم در گستره پهن‌اور امپراتوری روسیه و ه. م. ر. س. [اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی] آن را دوست داشته و می‌دارند. این اپرا همیشه در آگهی‌نامه‌های [پوسترهای] خانه‌های نمایش جای داشت و از فرستنده آوایی [رادیو] پخش می‌شد.



در روزهای سال‌گرد آهنگ‌ساز (۱۶ فوریه برابر بود با دویست و بیستمین سال زادروز او)، روشن نیست چرا، بن پاره‌های همه‌گیرانه‌ای درباره آن نمایش آوازی گفته می‌شود. زمانی نوشته بودند که این نمایش آوازی پس از نمایش در سن‌پترزبورگ از آن روی که ناواراسته و و حتی دزدی فرهنگ نوشتاری [ادبی] به‌شمار می‌آید از روی پهنه نمایشی برداشته شد. امروز در اوکراین می‌نویسند که بهتان‌های نادرستی به این کنش‌گر اوکرایینی زده شده است، که او در پایتخت‌های امپراتوری درست با انگیزه پیشینگی روسیه کوچک خود، رنج می‌برد. اگر چه همه زندگی سیمیون گولاک-آرتیوموفسکی گواهی بر آن نمی‌کند!

از گارودیشچا. بسوی سن پترزبورگ

سیمون آرتیوموفسکی، این کشیش جوان در گروه آوازی متروپولیت. کلیسای فرآراسته [جامع] سوفیای پارسا [ سنت سوفیا] و نیایش‌گاه میخائیل پارسا [صومعه سنت میخائیل] در کی‌یف آواز می‌خواند. یک بار، در روند یک آیین نیایش در نیایش‌گاه میخائیل. پارسا، سرپرست گروه آوازی. امپراتوری وابسته به دربار از آوای او شگفت‌زده شد. او کشیش را فراخواند تا با او به سن‌پترزبورگ برود. این فرد، میخائیل گلینکا آهنگ‌ساز نامی، سرپرست گروه آوازی بود و سیمون آرتیوموفسکی. موسیقی‌آموز، ستاره آینده پهنه نمایش آوازی به‌شمار می‌آمد. این‌گونه داستان شگفت‌انگیز نام‌دار شدن. بهترین باریتون آن سال‌ها آغاز شد.



شهر کی‌یف، نیایش‌گاه مسیحی. برادران و فرهنگستان. سال‌های ۱۸۴۰ - ۱۸۴۱

همه چیز در مورد سرنوشت یک زاده شده در پالیز. [مزرعه] گولاکووشچینا در نزدیکی گارودیشچا، در استان کی‌یف (اکنون گارودیشچا، بخش چرکاسی) برای آن زمان هم نارومره [غیرعادی] و هم ویژه به‌شمار می‌آمد.

پسر بی‌چیز. کشیش. روستایی در آموزش‌گاه دینی کی‌یف پذیرفته شد. هر جا که آواز می‌خواند به خاطر توانایی [و شایستگی] موسیقیاپاش به او کشش پیدا می‌شد. با کمک گلینکا، او در بابتخت جایگزین شد و با تلاش و پول پشتیبانان. درباری روسی این توانایی را پیدا کرد که آموزش. استادی را در ایتالیا و فرانسه دریافت کند. چگونه می‌توان در اینجا هم‌میهن دیگر سیمون از گارودیشچینا، گریگوری لاپچنکوی نگاره‌کش [نقاش] را، که در ایتالیا با هزینه آندره‌ی ایوانف. نگاره‌کش [نقاش] آموزش می‌دید، یا داستان کمک. پشتیبانان روسی به هم‌میهن. دیگر - تاراس شوچنکو را به یاد نیاورد. چه روزگاری بود و چه آدمیانی بودند که این همه پرشور در سرنوشت این انسان‌های شایسته هنبازی می‌کردند؟! شکوفایی توانایی‌ها آدمیزاد را به اندیشیدن وامی‌دارد: آیا این بدان معناست که در روسیه آن دوران شرایط ویژه- ای برای این کار وجود داشت؟ و امپراتوری بزرگ امکان شکوفایی را برای فرهنگ‌های مردمی فراهم می‌کرد؟ گویا نمایش آوازی. او پروانه برای ادامه کار را نداشت و بخاطر "اوکراینی" بودن آن، بی‌پایه به دزدی فرهنگی برچسب خورد؛ گویا دستمزدهای کمی پرداخت کردند زیرا گویا خواننده، خودی (روسی) نبود. [در اینجا نویسنده یا گردآورنده این نوشته هیچ‌گونه بنچاکی [سندی] که این داوش [ادعا] را استوار سازد، ارائه نمی‌دهد و می‌تواند در پیوند با رویدادهای پس از ماه فوریه سال ۲۰۱۴ در اوکراین باشد. ب.ب.].

خود. م. ای. گلینکا هوای چندی و چونی پولی [وضعیت مادی] هنرآموز خود را می‌داشت. در بهار سال ۱۸۳۹، او به همراه آ. س. دارگو میژسکی کنسرتی را در پشتیبانی از گولاک - آرتیوموفسکی برگزار کرد. سیمون استپانویچ با استفاده از پول گردآوری شده در تابستان همان سال به بیرون از کشور رفت و در آنجا به زودی فراخوانی برای رفتن به خانه‌ی نمایش آوازی. فلورانس را دریافت کرد.

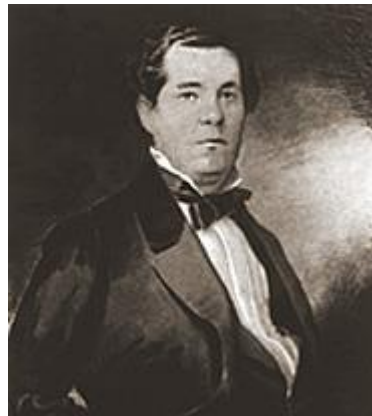


م. ای. گلینکا

گلینکا برای نیرومندسازی چهره دستی‌های شاگردش کنسرت‌هایی برگزار کرد. در یکی از آنها، کدیور [صاحب] کارخانه‌های اورال، پاول دمیدوف، به خواننده تازه کار گوش داد. او که شیفته آواز سیمیون شده بود، هزینه گردش‌گری او به فرانسه و ایتالیا را پرداخت.

گولاک-آرتیوموفسکی پس از دوره آموزشی، در سال ۱۸۴۲ در گروه نمایش آوازی. خانه‌های نمایش امپراتوری پذیرفته شد.

او در درازای ۲۳ سال کنش‌گری کنسرتی خود، صدها بار بر روی پهنه اجرایی نمایان شد و با توانایی و آوای نیرومند و سرشار خود تماشاگران را به شور آورد. جنگ اجرایی سیمیون استپانوویچ دربرگیرنده ۵۱ بخش نمایش آوازی بود، گذشته از آن او در ۱۱ وودویل و نمایش فکاهی بازی کرد. در آن زمان دستمزد او بر روی پهنه‌های اجرایی پایتخت از بالاترین‌ها به‌شمار می‌آمد. او با کامیابی برابرگونه با بهترین خوانندگان ایتالیایی، با آنها برنامه اجرا می‌کرد و هم‌زمان، هم نمونه‌های دراماتیک و هم فکاهی را بر روی پهنه اجرایی به‌انگاره در می‌آورد. در نمایشات آوازی روسینی نقش‌های ویلهلم تل و فیگارو را خواند و در «دون-ژوان» موتزارت نقش مازنتوی شاد و فرماندهی مهیب را بازی کرد.



شوربخانه، ما امکان شنیدن آوازخوانی گولاک-آرتیوموفسکی در آن دوران را نداریم. اما می‌توانیم نوشته‌های پرشمار آن دوران را درباره زیبایی، نیروی کمیاب و گستردگی پهنه آوایی این باریتون بخوانیم. بر ما پیداست که، سیمیون آرتیوموفسکی (نام هنری او اینچنین بود) به آسانی بر برداشتن آواهای پهنه‌های آوایی تنور و باس [آواهای زیر و بم مردانه] چیرگی داشت.

آ. سروف آهنگ‌ساز و باریک‌بین [منتقد] برجسته روسی، دیدگاه بسیار خوبی نسبت به خواننده داشت. تاراس شوچنکو دیدگاهش را درباره آواز هم‌میهن خود در «روسلان و لیودمیلا» در نامه‌ای به گ. تارناوسکی چنین بیان کرد:

«چه نمایش آوازی‌ای! به‌ویژه زمانی که آرتیوموفسکی روسلان را می‌خواند، شما در اندیشه فرو می‌روید، براستی خواننده-ای بسیار والا است. چیز دیگری نمی‌شود گفت».

گلینکا توانایی هنری گولاک-آرتیوموفسکی را بسیار ارزشمند به‌شمار می‌آورد. و درباره او بارها در «یادداشت‌ها» ی خود نوشت. آنچه که در پیوند با وُدویل‌ها یا برنامه اجرای دراماتیک می‌باشد، به ما از جایگاه راستین «هنر اوکرایینی» بر روی پهنه اجرای پایتخت می‌گوید.

گولاک-آرتیوموفسکی در نمایش «ماسکال-تردست» (به زبان نمایش توجه کنید!)، دیورتیسمنت-موسیقیایی خود بنام «جشن پیوند زن و شوهری-اوکرایینی»، ساخته شده از وِشک‌ها، آوازهای گروهی و تک‌ترانه‌ها را بر روی پهنه اجرای جای داد (خود خواننده در آن، نقش-باندوریتس-زاپاروژی را بازی کرد). در سال ۱۸۵۲ در نمایش خود، آرتیوموفسکی وُدویل خود به نام «شب در آستانه روز ایوان» را اجرا کرد (رویداد نمایش در میهن زادبومی-سازنده رخ می‌دهد). نه تنها نیاز به هنر درباره روسیه کوچک (تا پیش از بنیانگذاری جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین در سال ۱۹۲۱ و تا سال ۱۹۴۵ این جمهوری در زمان روسیه تزاری روسیه کوچک نامیده می‌شد) در هنر نمایش احساس می‌شد، بلکه این هنر در میان هندوستان پایتخت نیز گرا به‌شمار می‌آمد.

هندوستان، نمایش آوازی «زاپاروژتس در آن سوی دُن» را به‌خوبی پذیرفتند، در اجرای نخست حتی درخواست برای اجرای دوباره شماره‌های وِشکین شد. روزنامه‌ها درباره آن به‌گونه‌ای ستایش‌آمیز نوشتند: «آهنگ‌ساز توانایی فکاهی درخشنده خود را نشان داد».



### زندگی پس از مرگ

در ۵۱ سالگی، گولاک-آرتیوموفسکی پهنه اجرایی را به کنار گذاشت، و توانست تا این زمان نمایش آوازی خود را در پترزبورگ به نمایش گذاشته (۱۳ بار) و نقش کارس را در آن اجرا کند. ولی ناگهان هنرمند به تندی آوای خود را از دست داد. او را به مسکو، به خانه نمایش بزرگ [بالشوی تئاتر] بردند (با همیاری و پشتیبانی نیکولای نیکولایویچ شاهزاده [کنیاز] بزرگ). پس از یک سال سیمیون آرتیوموفسکی بازنشسته شد، و آن زمان شایستگی او در نگاره کثی-مینیاورها بر روی عاج فیل، سرگرمی‌های کارشناسانه نوشتاری و شماسازی [طرح‌ریزی] آبرسانی نمایان شد. داده‌هایی هستند، که آدم‌های بیماری نزد گولاک-آرتیوموفسکی می‌رفتند که همچون پزشکی رایگان درمان می‌کرد.

سیمیون استپانوویچ در ۶۰ سالگی از دنیا رفت. در گورستان واگانسک به خاک سپرده شد. با از دست دادن سه دختر، که در کودکی از بیماری از دنیا رفته بودند، او دودمان یکراستی [نسل مستقیم] از خود برجای نگذارد. اما او یک برادر داشت. و امروزه در گاردیشچا، گولاک‌ها، فرزندان دودمان این نامدار زندگی می‌کنند.

بزرگترین آنها الگا شلیاخووا نوه نوه برادر [خواهر]زاده او به‌شمار می‌آید. او درخت تبارین این خانواده را که می‌توان آن‌را در دیرین کده گولاک-آرتیوموفسکی در شهر گاردیشچا دید، پدید آورده. برای پدیدار شدن خود دیرین کده باید از الگا آکسه‌یونا سپاس گزار بود.



در دیرین کده می‌توان نگاره و آگهی‌های نمایشاتی را که گولاک-آرتیوموفسکی در آنها برنامه اجرا می‌کرد، شمای همان لوله آبرسانی-پترزبورگ، نگاره‌ها از زندگی گولاک-آرتیوموفسکی، نگاره‌های پیکر، و همچنین پیکر نیم‌تنه او ساخته یلنا شلیمووا را دید.



در این گزیده نمونه‌ها، پی‌گمان، نیاز بسیار به چیزهای کمیاب است، که با سرمایه‌گذاری - بهتری می‌توان در بایگانی - خانه نمایش مارینسکی در پترزبورگ یا در خانه نمایش - فلورانس «لئوپولد»، در جایی که گولاک-آرتیوموفسکی برنامه اجرا می‌کرد جست‌وجو کرد. الگا آکسه‌یونا توانست کاری کند تا جایگاه ویژه‌ای در کنار - دیرینکده داده شود. او از برای - خدمات - خود، نشان سرپرست [رئیس جمهور] اوکراین را «برای بیداری دولت [کشور] اوکراین» دریافت داشت.



در گاردیشچا، شوربختانه، کلیسای پاکروفسک، که گولاک‌های کشیش ارتودوکس در آن خدمت می‌کردند، نگاه-داشته نشده. اما بنای یادبود س. س. گولاک-آرتیوموفسکی هست (سازنده، گالینا کالچنکو). دبیرستان موسیقی گاردیشچا و چرکاسک به نام او هستند.

ما، خویشاوندان دور-همدورانان گالوک-آرتیوموفسکی، باید دریابیم که توانایی‌های هنری-آفرینش‌گرانه در شرایط روسیه تاریخی، در آن پهنه همبودگاهی-فرهنگی ای، که در سده‌های نوزدهم و بیستم برای آن ویژه بود، فراهم شده بود.

نویسنده: آلنا بوئویچ

سیمیون استپانویچ گولاک-آرتیوموفسکی (۴ (۱۶) فوریه سال ۱۸۱۳، گاردیشچا. ۵ (۱۷) آوریل سال ۱۸۷۳، مسکو). آهنگ‌ساز، خواننده (آوای بم-میانی)، هنرمند دراماتیک، دراماتورگ اوکرایینی، برادر [خواهر] زاده پ. پ. گولاک-آرتیوموفسکی. نویسنده، سازنده نخستین نمایش آوازی اوکرایینی بود.

## زندگی نامه

در ۱۱ سالگی در دبیرستان دینی کیف پذیرفته شد؛ در سال‌های ۱۸۳۵-۱۸۳۸ در آموزشگاه دینی کیف آموزش می‌دید. دارای آوایی زیبا-دیسکانت- بود؛ پس از دگرگونی آوا، دارای آوای میانی مردانه [باریتون] شد.

بنابر فرمان یوگنی (بولخونیتوف) میتروپولیت کیف، هموند گروه آوازی پرستشگاه مسیحی صوفیا، و در سال ۱۸۳۰ هموند گروه آوازی پرستشگاه مسیحی میخایلوفسک شد.



در سال ۱۸۳۸ به‌هنگام آیین نیایش در پرستشگاه مسیحی میخایلوفسک، م. ای. گلینکا به او توجه پیدا کرده، و به او پیشنهاد کرد تا به سن-پترزبورگ برود؛ تا سال ۱۸۳۹ به او موسیقی و آوازخوانی آموزش داده، او را برای اجرای نمایش آوازی آماده می‌ساخت؛ در سال ۱۸۳۹، با سازماندهی چند کنسرت بسود او، برای گردآوری پول، برای آموزش، او را به بیرون از روسیه فرستاد. با بودن در شهر پاریس، س. گولاک-آرتیوموفسکی به ایتالیا رفت، و در آنجا پس از دو سال آموزش در سال ۱۸۴۱ در خانه نمایش آوازی فلورنتین برای نخستین بار برنامه اجرا کرد.

در سال ۱۸۴۲ به پترزبورگ بازگشت، و در آنجا در درازای ۲۲ سال، تا سال ۱۸۶۴، تک‌خوان خانه نمایش امپراتوری روسیه، و در سال‌های ۱۸۶۴. ۶۵. خانه نمایش بزرگ [بالشوی تئاتر] در مسکو به‌شمار می‌آمد.

س. س. گولاک. آرتیوموفسکی اجراکننده بخش‌های روسلان در اجرای نخست نمایش آوازی «روسلان و لیودمیلا» ی. م. ای. گلینکا در خانه نمایش آوازی بزرگ در سال ۱۸۴۶ بود.

نمایش آوازی «زاپاروتس در آن سوی رود دُن» آهنگ‌ساز را نام‌دار ساخت. نمایش آوازی برای نخستین بار در ۲۵ ماه مه سال ۱۸۶۳ بر روی پهنه اجرایی خانه نمایش مارینسکی در سنت‌پترزبورگ نمایش داده شد و تا اندازه‌ای کامیاب بود؛ اما در برنامه اجرایی سالانه پس از آن، از برنامه اجرایی بیرون آورده شد، زیرا روشن شد، که موسیقی نمایش آوازی از موتسارت (از نمایش آوازی «ربایش از سرای») برداشته شده بود؛ سازنده به آن چند آهنگ مردمی افزوده و برخی از بخش‌های جداگانه را کمی دگرگون ساخته بود. در همان زمان نیز خود گولاک-آرتیوموفسکی نه تنها نویسنده داستان‌نامه به‌شمار می‌آمد بلکه در نقش بنیادین کاراس، قزاق بی‌باک زیر فرمان زن خود نمایش می‌داد. دمیتری آنتونویچ در سال ۱۹۲۵ درباره این نمایش آوازی این‌گونه نوشت: «نمایش آوازی موتسارت «ربایش از سرای» در اوکراین هیچگاه اجرا نمی‌شود، اما، «زاپاروتس در آن سوی رود دُن» را در هر خانه نمایش اوکرایینی خوب می‌شناسند».

ترانه‌های اوکرایینی، در میان آنان «چنار بر روی آب ایستاده» (پیشکش شده به تاراس شوچنکو، که نویسنده با او از سال ۱۸۳۸ دوستی داشت)، «خوابم نمی‌آید» و آوازهای دیگر جایگاه جداگانه‌ای را در بازمانده هنری آفرینش‌گرانه گولاک-آرتیوموفسکی پر می‌کند. گولاک-آرتیوموفسکی در سال ۱۸۴۳ با انگیزه‌گزینش خوانندگان و در سال ۱۸۵۰، به-هنگام گردشگری هنری با گروه آوازی ایتالیایی به کیف می‌رود.



او شیفته پزشکی مردمی و سنجش‌گری بود و در سال ۱۸۵۴ «نمودار سنجش و روسیه‌شناسی- [جغرافیایی] شهرهای امپراتوری روسیه» را پدید آورد.

او در ۵ آوریل سال ۱۸۷۳ در مسکو درگذشت و در گورستان واگانسکویه در بخش ۳۳ به خاک سپرده شد.

برای آشنایی با هنر آفرینش‌گرانه آهنگ‌ساز، پیشنهاد می‌کنم نمایش آوازی او «زاپاروژتس در آن‌سوی رود دُن» را ببینید یا گوش دهید. در اینترنت و در یوتیوب می‌توان به این آفریده دسترسی پیدا کرد!

برگردان از زبان روسی به زبان پارسی از یکی از برگ‌های اینترنتی روسی و همچنین برگ اینترنتی ویکی‌پدیا به زبان روسی وگزینش برخی از نگاره‌ها از بابک بردیا (آهنگ‌ساز، پروفیسور [استاد] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازنده پیانو و آموزگار در این رشته‌ها)

برلین، ۳۰ ماه ژانویه سال ۲۰۲۴